**امام خمينى و مقابله باترفندهاى رژيم ستمشاهى**

**ابراهيم اميرى**

انـقلاب اسـلامى ايـران بـه رهـبرى امام خمينى از آغاز حركت خود، همواره با انـواع اتهامات، توطئه ها و ترفندهاى گوناگون از سوى رژيم و عوامل داخلى و خارجى آن مواجه بوده است.

با شروع مرحله جديد نهضت اسلامى در سال 1356 كه پس از رحلت آيه الله مصطفى خـمينى و بـه دنـبال تـوهين به امام خمينى با چاپ مقاله اى موهن تحت عنوان ((ارتـجاع سـرخ و سـياه در ايـران)) در روزنـامه اطـلاعات آغـاز شد، دامنه اعـتراضات مـردمى عـليه رژيم روز به روز افزايش يافت.

و رژيم كه خود را از مـقابله بـا حـركت عـمومى مردم عاجز مى ديد، با هدف ايجاد اختلاف ميان صفوف متحد مردم، جدايى بين رهبر نهضت و ملت، غير اسلامى جلوه دادن حركت اسلامى و در يـك كلام نجات رژيم از سقوط و فروپاشى، اقدام به روشهايى همچون اتهامات واهـى بـه انقلابيون، تغيير دولته، وعده هاى دروغين به ملت، اعتراف شاه به اشتباهات و توبه نمودن وى، تظاهر به ديندارى و...نمود.

امـام خمينى به عنوان رهبرى آگاه، با تدبير، واقع بين و آينده نگر با آنكه سـالها در تـبعيد و دور از ايـران بود، مسير نهضت را به بهترين روش هدايت نـمود و در برابر تمامى نيرنگها و فريب هاى رژيم، مواضعى مناسب اتخاذ نمود به گونه اى كه هيچ يك از اهداف پليد رژيم به موفقيت نينجاميد.

ايـن نـوشتار درصـدد اسـت تا با بررسى انواع تشبثات رژيم، عكس العمل امام خـمينى در بـرابر آنـها و چـگونگى خنثى سازى توطئه هاى آنها توسط ايشان را تشريح كند.

1 بسط آزادى و دمكراسى رژيـم كـه در دوران خـفت بار خود همواره با اختناق، استبداد و تضييع حقوق اجـتماعى و فـردى مـردم، بـر جـامعه حكومت مى كرد، به منظور فرونشاندن خشم انـقلابى مـردم، تـوسعه آزادى و دمـكراسى در بخشهاى مختلف را اعلام و تبليغ مى نمايد كه آنها را مى توان در موارد ذيل مورد بررسى قرار داد:

الف:آزادىهاى سياسى:

بـه دنـبال اوجگيرى مبارزات انقلابى و پس از قيام مردم تبريز عليه رژيم كه شاه به شدت تحت فشار قرار گرفته بود تصميم به اعطاى آزادىهاى سياسى گرفت، شاه در اسفند ماه 56 در سخنانى گفت:

((تـصميم گـرفته ايم كـه در ايـران هـر چـه بـيشتر آزادىهـاى فردى به مردم بـدهيم.از ايـن آزادى مـمكن است كرمهاى پژمرده كهنه ارتجاع تا جوجه هاى پر درنـياورده سـرخ سـو استفاده كنند و خود را به در و ديوار بزنند، ولى اين حركات مذبوحانه حتى يك لحظه در برابر ملت مصمم ايران تاثيرى ندارد.))!(1)

و لايـحه اى كه به منظور گسترش دمكراسى از طرف دولت به مجلس ارسال شده بود، در تاريخ 57/3/23 به تصويب مجلس مى رسد.(2)

هـمچنين نـخست وزيـر اعـلام مـى دارد:((لايحه تظاهرات در اجلاس آينده پارلمان تـقديم مى گردد، اجتماعات و تظاهرات سياسى قانونى مى شود همانطور كه درباره فـضاى بـاز سياسى صحبت مى شود به موازات آن نيز لايحه اى براى انجام تظاهرات به صورت قانونى تهيه شود.))(3)

در ادامه اجراى نمايشنامه فوق در مورد اعطا آزادى توسط رژيم، حزب رستاخيز با انتشار بيانيه اى اعلام كرد:((قانون مطبوعات و اجتماعات بايد چنان تغيير كند تا امكان رقابت بين انواع وسايل ارتباط جمعى برقرار شود، لايحه قانونى شـدن تـظاهرات و اجـتماعات سـياسى بـايد در مـعرض قضاوت افكار عمومى قرار بـگيرد.قانون جديد بايد طورى تدوين شود كه مانع دخالت دستگاههاى اجرايى و همچنين هرج و مرج گردد.))(4)

عكس العمل امام خمينى امـام خـمينى بـا بينش عميق خود و آگاهى از اين توطئه و در پاسخ به سخنان فـريبكارانه شـاه، سـياست اعطاى آزادى فرمايشى از سوى شاه را حيله اى براى نجات رژيم برشمرده و در خرداد ماه 57 فرمودند:

((ايـن چه وضعى است كه در ايران هست؟ اين چه آزادى است كه اعطا فرموده اند آزادى را؟ مـگر آزادى اعـطا شـدنى است؟ خود اين كلمه جرم است، كلمه اينكه ((اعـطا كـرديم آزادى را)) اين جرم است، آزادى مال مردم هست، قانون آزادى داده، خـدا آزادى داده به مردم، اسلام آزادى داده، قانون اساسى آزادى داده بـه مـردم ((اعطا كرديم)) چه غلطى است؟ به توچه كه اعطا بكنى؟ تو چه كاره هستى اصلش؟ ((اعـطا كـرديم آزادى را بـر مردم)) !! آزادى اعطايى اين است كه مى بينيد، آزادى اعـطايى كه آزادى حقيقتا نيست اين است كه مى بينيد، براى اين است كه مردم را اغفال كنند.))(5)

ايـشان بـار ديـگر در مـهر ماه سال 57 نيز ضمن غير واقعى دانستن آزادىهاى اعـطايى شـاه مـى فرمايند ((مـا مى خواهيم آزاد باشيم، نه مثل آزادى كه شاه مـى دهد، ايـن آزادى كـه شـاه بـه ما مى دهد، اين براى خودش خوب است و براى عـأله خـودش خـوب اسـت، ايـن جـور آزادى! اين آزادى كه او مى دهد مثل اين ((آشـتى)) كـه دولت مى كند همه اش خونريزى است! آزادى همه اش حبس است! همه اش زجر است.))(6)

رژيـم در ادامـه بـاصطلاح اعـطاى آزادىهاى فوق، بازگشت كليه ايرانيان ساكن خـارج از كـشور را به شرط احترام به قانون اساسى و استقلال كشور آزاد اعلام نـمود! و مـنوچهر آزمـون، وزيـر مشاور خاطرنشان كرد كه آيت الله خمينى نيز مى تواند به ايران برگردد! ب:آزادى زنـدانيان و تـبعيديها:سانسور و خـفقان شديد حاكم بر ايران زمينه دسـتيابى بـه آمـار دقـيق و قطعى زندانيان سياسى و ميزان محكوميت آنها را بـوجود نـمىآورد امـا در عـين حـال مـطبوعات غـربى زنـدانيان سياسى كه در زنـدانهاى شـاه، تـحت شديدترين شكنجه ها قرار داشتند را بين سى هزار تا صد هـزار نـفر تـخمين مى زدند و شاه نيز به وجود بيش از سه هزار زندانى سياسى اعتراف كرده بود.اين علاوه بر افرادى است كه در شهرهاى مختلف تبعيد بودند.

دولـت شـريف امامى با سالوس تمام تصميم به اصلاحات ظاهرى در شهريور سال 57 وعده آزادى برخى از زندانيان سياسى را اعلام مى نمايد.

در فـاصله چـهارم آبـان مـاه تا نوزدهم آذر ماه 57 بر اثر اعتراضات عمومى مـردم تعداد 1726 زندانى سياسى آزاد شدند و در آغاز بكار دولت بختيار نيز ه ه9 نفر ديگر آزاد شدند كه اين آمار شامل كسانى كه در مراحل قبل و بعد از دو مـورد مـذكور و هـمچنين كـسانى كـه در روزهاى 21 و 22 بهمن پس از سقوط پايگاههاى رژيم به دست مردم آزاد شدند، نمى شود.(8)

بـه دنـبال پخش خبر آزادى تعدادى از زندانيان سياسى، امام خمينى در تاريخ 57/8/3 طـى سـخنانى، مـردم را از سـازش با رژيم برحذر داشتند و آنرا راهى بـراى نجات رژيم قلمداد كردند و در بخشى از سخنان خود فرمودند:امروز اطلاع دادنـد كـه زنـدانيهاى سـياسى را يك مقدارى آزاد كردند و مقدارى هم بناست آزاد شود، آيا ببينيم كه اين آزاد كردن جبران مى كند اين مسأل را؟ يك نفر انـسان را ده سـال، پـنج سـال، كـمتر، بـيشتر از همه جهات ساقط كنند، همه آزاديـها را از او بـگيرند، در حـبس همه شكنجه ها و زجرها را به او بدهند، بـعدش بـگويند كـه شما آزاديد!! خوب اين پنج سال تضييع عمر يك انسان، پنج سال، ده سال زجر دادن به يك انسان به يك مسلم، اينها هيچ؟ حالا آزاد، تمام شـد قـضيه؟ با اين كه آزاد كردند يك عده اى از علما را و ساير طبقات را ما قـانع هـستيم؟ حـالا ديگر آرام بايد بشود ملت؟ آشتى كردند آنها با ملت؟ يا ايـنكه جـو، يـك مـحيطى اسـت كـه برايشان ديگر امكان نمانده است كه ادامه بـدهند، دسـت و پا مى زنند براى اينكه خودشان را از اين محيط، جوى كه تمام نـفوس بـر ضد آنها توجه پيدا كردند، با اين دست و پا مى خواهند نجات بدهند خودشان ر، لكن آيا مى شود؟! قابل نجات اند اينها؟!)) (9)

ج:آزادى فـعاليت احـزاب:شاه در ديـدار بـا هيئت رئيسه مجلس اعلام مى كند كه بـراى رسـيدن به نظام دمكراتيك فعاليت احزاب لازم است.(10)

و در تاريخ سوم مـهر مـاه 57 انـحلال تشكيلات حزب رستاخيز اعلام مى گردد و نخست وزير رژيم نيز شـركت تـمام احزاب قانونى در انتخابات را آزاد اعلام مى نمايد، همچنين شركت مخالفان در انتخابات آزاد اعلام مى شود! قـبل از ايـن حـزب رستاخيز در بيانيه اى اعلام داشته بود كه با ترور افكار، مـحدوديت قـلم و اخـتناق مبارزه مى شود و فضاى باز سياسى نبايد نمايش براى سرگرم كردن باشد!! در ايـن شـرأط كـه مـطبوعات اقدام به اعتصاب نموده بودند، امام خمينى با انـتشار پـيامى ضمن تشكر از آنه، ادامه كار مطبوعات را خواستار مى شوند و مرقوم مى دارند:((از متصديان مطبوعات كه زير بار سانسور ديكتاتورى نرفتند، تـشكر مـى كنم و اكـنون كـه دولـت غيرقانونى جديد مدعى برداشت سانسور است، آقايان به كار ادامه دهند و از اعتصابات بيرون آيند تا تكليف ملت يا دولت غيرقانونى معلوم شود.))(11)

ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ برگرفته از سایت : http://www.aviny.com

**پی نوشتها**

1 كوثر، ج اول، ص 365

2 هفت هزار روز، ج دوم، ص 853

3 همان، ص 864

4 همان، ص 866

5 صحيفه امام، ج سوم، ص 6ه4

6 همان، ج چهارم، ص 62

7 كوثر، ج سوم، ص 65

8 همان، ص 66

9 صحيفه امام، ج 4، ص 148

10 هفت هزار روز، ج 2، ص 968

11 صحيفه امام، ج 5، ص 352